

نقش عربستان سعودی در امنیتی سازی ایران؛

راهبرد جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۸

علی اکبر اسدی*

چکیده

هدف این مقاله، بررسی رویکرد عربستان در دوره ملک سلمان در خصوص ایران و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات سعودی هاست. فرضیه مقاله این است که عربستان سعودی در دوره ملک سلمان، در نقش «بازیگر کارکردی» در نظریه امنیتی سازی، بیش از هر زمانی در راستای امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است. یافته اصلی مقاله این است که حمایت از امنیتی سازی نقش منطقه ای ایران در خاورمیانه، محور اصلی سیاست های عربستان ملک سلمان در قبال ایران بوده است؛ بدین معنی که رهبران جدید سعودی با تأکید بر نقش منطقه ای مخرب ایران تلاش کرده اند تا سیاست ها و کنش های ایران در خاورمیانه را به عنوان اصلی ترین تهدید برای ثبات و امنیت منطقه نشان دهند و ظرفیت های مختلفی را در مقابل ایران بسیج کنند. هرچند این اقدامات باعث تشدید فشارهای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران شده، اما امنیتی سازی ایران با محدودیت ها و چالش هایی نیز مواجه بوده است. واژگان کلیدی: ایران، عربستان سعودی، امنیت ملی، امنیتی سازی، کنشگر کارکردی.

مقدمه

عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته بعد از وقوع انقلاب اسلامی با تحولات مختلفی در روابط خود روبرو بوده‌اند. هرچند می‌توان روابط دو کشور را به دوره‌های زمانی مختلفی مانند تقابل در دهه اول انقلاب، تنش‌زدایی در دهه دوم و گسترش دوباره رقابت‌ها و تنش‌ها در دوره بعد از ۲۰۰۳ تقسیم‌بندی کرد، اما تداوم مشکلات و چالش‌ها در روابط طرفین به‌عنوان مشخصه مهم روابط بوده است. با این حال تنش‌ها و رقابت‌های دو کشور هیچ‌گاه به اندازه دوره ملک سلمان افزایش نیافته است. به‌عبارت دیگر هرچند که بعد از تغییر رژیم در عراق در سال ۲۰۰۳ و به‌خصوص وقوع جنبش‌های مردمی در جهان عرب، رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان گسترش یافت، اما تنها در دوره ملک سلمان بود که روابط سیاسی و دیپلماتیک بین دو کشور قطع شد و روابط از حالت رقابت فراتر رفته و مشخصه‌های خصمانه به خود گرفت.

هرچند تغییرات مهم در سیاست منطقه‌ای عربستان و به‌خصوص گسترش رقابت‌ها و تنش‌های بین تهران و ریاض به‌صورت تدریجی در طول پانزده سال گذشته شکل گرفت، اما در دوره ملک سلمان با به‌قدرت‌رسیدن نخبگان سیاسی جدید با محوریت محمدبن سلمان، عربستان سعودی رویکردها و گرایشات محافظه‌کارانه و به نسبت متعادل گذشته را تا حد زیادی کنار گذاشت و به تقویت رویکردهای کنشگرانه و تهاجمی در سیاست خارجی خود مبادرت کرد. به‌رغم ابعاد مختلف سیاست منطقه‌ای جدید عربستان، محور اصلی و انتظام‌بخش این سیاست مقابله با نفوذ و نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تلقی شده و سایر ارکان و ابعاد سیاست خارجی عربستان عمدتاً حول این محور ساماندهی شده‌اند. رهبران سعودی علاوه بر اینکه در ابعاد مختلف گفت‌وگویی و موضع‌گیری سیاسی به تقابل با ایران پرداخته‌اند، در عمل نیز تلاش‌هایی را برای مقابله با نفوذ ایران انجام داده‌اند. نکته مهم دیگر اینکه گفتمان و تلاش‌های تقابلی عربستان در برابر ایران در دوره ملک سلمان بیش از آنکه جنبه انفرادی داشته باشد در قالب‌های دسته‌جمعی و همکاری‌جویانه طراحی و هدایت شده است. به‌خصوص سیاست‌ها و تلاش‌های مقابله‌جویانه عربستان در مقابل ایران به‌رغم منابع و انگیزه‌های ملی تا حد زیادی با تشدید فشارهای آمریکا علیه ایران در دوره ترامپ هماهنگ بوده است.

مجموعه رویکردهای عربستان سعودی در قبال ایران در دوره ملک سلمان در ابعاد گفتمانی و رفتاری و به صورت انفرادی یا چندجانبه باعث شده است که درک از عربستان به عنوان بازیگری تهدیدساز برای جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با دوره های پیشین تقویت شود. در چنین شرایطی است که فهم سیاست خارجی عربستان و تهدیدات احتمالی ریاض علیه ایران اهمیت بسزایی یافته و گزینه ها و تبیین های متفاوتی در خصوص اهداف و سیاست های عربستان در قبال ایران و روابط دو کشور ارائه شده است. فارغ از تفاوت های موجود در نگرش ها و تحلیل های ارائه شده در این خصوص، گزاره یا محور مشترک بخش عمده این تبیین ها را می توان افزایش رویکردهای تخاصمی و تهدیدات عربستان برای ایران در دوره سلمان دانست. بر این اساس است که به منظور رسیدن به فهمی جامع و دقیق از تهدیدات سعودی ها برای امنیت ملی و منافع منطقه ای ایران حتی گزینه های بدبینانه ای مانند درگیری نظامی و وقوع جنگ بین دو کشور نیز مطرح شده است و طرفداران خاص خود را دارد.

با توجه به این وضعیت پرسش اصلی مقاله حاضر این است که سیاست خارجی عربستان سعودی در دوره ملک سلمان چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ پاسخ اولیه مطرح شده در این راستا عبارت است از اینکه عربستان دوره سلمان، با تأکید بر نقش منطقه ای مخرب ایران و طراحی و مشارکت در روندهای ضد ایرانی به تقویت تلاش های معطوف به امنیتی سازی ایران با محوریت آمریکا کمک کرده و در نتیجه باعث تشدید تهدیدات سیاسی-اقتصادی و بسترسازی برای اعمال تهدیدات نظامی علیه ایران شده است. در این راستا در ادامه ضمن اشاره به مباحث نظری مربوط به امنیتی شدن که از نتایج مکتب امنیتی کپنهاک است، بسترهای حمایت عربستان از سیاست امنیتی سازی ایران و کنش های ریاض در این خصوص تبیین می شود. همچنین به اثرات رویکردها و تلاش های عربستان سعودی بر ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد. در پایان نیز برخی ملاحظات راهبردی برای ایران ارائه می شود.

الف. امنیتی سازی

در مطالعات و بررسی های نظری مربوط به امنیت، مکتب کپنهاک به عنوان یکی از مکاتب نظری جدید و اثرگذاری است که از سوی افرادی مانند باری بوزان، اولی ویور و جاپ دوویدل ارائه شده است. بوزان با نقد دیدگاه های سنتی به امنیت و تأکید بر ناتوانی مکاتبی مانند واقع گرایی و

لیبرالیسم برای تبیین تحولات و مسائل امنیتی جدید سعی دارد تا بینش‌ها و مفاهیم نوینی را وارد حوزه مطالعات امنیتی کند. ضمن اینکه مکتب کپنهاک بر خلاف سایر مکاتب که تنها بخشی از دغدغه آنها به امنیت مربوط است، به صورت خاص بر موضوع امنیت متمرکز است. به اعتقاد بوزان بر خلاف اعتقاد واقع‌گرایان به کسب امنیت از طریق کسب قدرت یا اعتقاد آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه در حوزه مطالعات امنیتی است، به گونه‌ای که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶). مکتب کپنهاک بر سه مفهوم یا انگاره کلیدی مبتنی است که عبارت‌اند از: بخش‌ها یا ابعاد متعدد امنیت؛ مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای یا تمرکز بر سطح تحلیل منطقه‌ای در مطالعات امنیتی و امنیتی‌سازی (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۵).

امنیتی‌شدن و امنیتی‌سازی برای اولین بار از سوی ویور مطرح شد سپس به واسطه کارهای مشترک با بوزان تکمیل شده و در سطح گسترده‌ای مطرح شد. ویور با مطرح کردن امنیت به مثابه کنش‌گفتاری سعی کرد بر اساس نظریه‌های پسا ساختاری به واسطه مفهوم امنیت و مطرح ساختن آن از منظر سازه‌انگاره بپردازد (Waver, 1989: 1-5). به اعتقاد نظریه‌پردازان مکتب کپنهاک، امنیت و تهدیدات امنیتی تنها جنبه عینی و عملی ندارد، بلکه زبان و گفتمان نقش مهمی در امنیتی‌کردن یا غیرامنیتی‌شدن بسیاری از موضوعات مدنظر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دارد. بر این اساس زبان، کلام و گفتمان به عنوان وجه جدید و قوی در خصوص موضوعات امنیتی و امنیتی‌شدن مطرح و مورد تأکید قرار می‌گیرد. با این حال، در تحلیل‌های بعدی، افرادی مانند تیری بالزاک در تبیین موضوع امنیتی‌شدن علاوه بر کنش‌گفتاری به کنش‌های عملی و عینی نیز توجه می‌کنند. در واقع، بالزاک با اشاره به بی‌کفایتی کنش کلامی برای امنیت‌سازی در عالم واقع به لزوم توجه به سه مؤلفه مخاطب‌محوری، زمینه‌مندی و قدرت در امنیتی‌سازی تأکید می‌کند (Balzacq, 2005:171).

به اعتقاد نظریه‌پردازان مکتب کپنهاک، امنیت مفهومی برساخته جامعه است و در جامعه ساخته و پرداخته می‌شود. بنابراین وقتی ما از امنیت و امنیتی‌شدن سخن می‌گوییم در واقع از یک فهم سخن می‌گوییم. این جامعه نیز می‌تواند شامل جامعه داخلی و جامعه بین‌المللی باشد. ضمن اینکه هر جامعه فهم خاص خود را از تهدید و شدت تهدید بازیگران مختلف دارد. به رغم

غلبه نگاه سازه‌انگاری و گفتمانی به امنیت در این مکتب، هرگز ارتباط امنیت با عالم واقع قطع نمی‌شود و باتوجه به امکان بروز تعارض بین فهم ما و واقعیت بیرونی، بر این مسئله تأکید می‌شود که باید اقدام به حل تعارض‌ها کرد و برای این منظور اصلاح فهم و تلاش برای درک بیشتر واقعیت‌ها راه‌گشاست. بنابراین در موضوع امنیت و امنیتی شدن تعامل بین فهم جامعه و واقعیت بیرونی مدنظر قرار می‌گیرد (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۳).

استدلال اصلی نظریه امنیتی سازی این است که امنیت کنش گفتاری و کلامی است. بنابراین با برچسب زدن به چیزی به عنوان موضوع امنیتی، این موضوع امنیتی می‌شود. بنابراین بازیگر امنیتی ساز با تأکید بر اینکه بقای یک هدف مرجع خاص در معرض تهدید وجودی قرار دارد، مدعی می‌شود که این حق را دارد تا اقدامات فوق‌العاده‌ای را برای تضمین بقای مرجع مدنظر اتخاذ کند. بنابراین موضوع از حوزه سیاست معمول خارج شده و به حوزه سیاست اضطراری وارد می‌شود. در نتیجه بازیگر امنیتی ساز در پی پرداختن به این موضوع خارج از قواعد و رویه‌های مرسوم سیاست‌گذاری است. از این رو امنیتی سازی موفق شامل سه مرحله است: شناسایی تهدیدات وجودی؛ اتخاذ اقدامات فوری و تأثیرگذاری بر روابط بین واحدها با کنار گذاشتن قواعد و رویه‌های مرسوم. بنابراین برای اینکه موضوعی به عنوان تهدید وجودی تلقی شود گفته می‌شود اگر ما به این مشکل به صورت فوری نپردازیم، تهدیدات وجودی ناشی از این موضوع دیگر فرصتی برای پرداختن به آن ایجاد نخواهد کرد (Taureck, 2006: 55).

از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده در نظریه امنیتی شدن، می‌توان به بازیگر امنیتی کننده، بازیگر کارکردی، موضوع امنیتی شده، هدف مرجع امنیت، محیط یا شرایط تسهیل کننده و قدرت و اقتدار بازیگر امنیتی ساز اشاره کرد. هدف مرجع چیزی است که فکر می‌شود به لحاظ وجودی تهدید شده است. بازیگران امنیتی کننده اصولاً می‌توانند هر چیزی را به عنوان هدف مرجع تعریف کنند. بازیگران امنیتی کننده کنشگرانی هستند که گفتار امنیتی را برای امنیتی کردن یک موضوع اجرا می‌کنند. بازیگر کارکردی یک عامل بیرونی تأثیرگذار در سیر امنیتی شدن است یا بازیگری است که به اقدام گفتاری امنیتی شدن کمک می‌کند. مخاطبان هدف نیز مجموعه کنشگرانی هستند که تلاش می‌شود تا در خصوص تهدیدات موضوع مدنظر متقاعد شوند. شرایط تسهیل کننده شامل شرایط داخلی، منطقه‌ای یا جهانی می‌شود. شرایطی که به بازیگران امنیتی کننده در تعیین

موضوع‌های مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک می‌کنند. ضمن اینکه روند امنیتی کردن نیز روندی سه مرحله‌ای تلقی می‌شود که عبارت‌اند از: تصویرسازی از موضوع مشخص به‌عنوان تهدید وجودی برای مرجع؛ متقاعدساختن مخاطبین نسبت به تهدید فوری هدف مرجع و اتخاذ اقدامات خاص مانند جنگ و تحریم برای غلبه بر تهدید (حاجی‌مینه، ۱۳۹۷، ۱۶-۱۵).

در تحقیق حاضر در چارچوب آموزه‌ها و مفاهیم نظریه‌های امنیتی شدن به‌صورت خاص و مکتب کپنهاک به‌صورت عام، به تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در این راستا، در حالی که آمریکا به‌عنوان بازیگر امنیتی‌ساز مطرح است، عربستان سعودی به‌عنوان کنشگر کارکردی در موضوع امنیتی‌سازی ایران ایفای نقش می‌کند و نقش حمایتی جدی در امنیتی‌شدن ایران دارد. همچنین، جامعه بین‌المللی و کشورهای منطقه به‌عنوان مخاطبان امنیتی‌سازی، جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص نقش منطقه‌ای ایران به‌عنوان موضوع امنیتی و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان محیط پیرامونی یا شرایط تسهیل‌کننده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ب. بسترهای حمایت عربستان از امنیتی‌سازی ایران

اینکه چه بسترها و انگیزه‌ها یا عواملی عربستان دوره سلمان را به سمت ایفای نقش کارکردی در امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران سوق داده است مستلزم در نظر گرفتن شرایط و مؤلفه‌های مختلفی در سه سطح داخل عربستان، سطح منطقه‌ای و سطح بین‌المللی است. در سطح داخلی عربستان، الزامات انتقال قدرت به نسل سوم در خاندان سعودی و تلاش‌های محمدبن سلمان برای رسیدن به منصب پادشاهی در کنار عدم قطعیت‌ها و چالش‌های مختلف به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی محسوب می‌شوند که در کوشش‌های ریاض برای کمک به امنیتی‌سازی ایران و سیاست منطقه‌ای آن نقش داشته‌اند. به باور مضاوی‌الرشید سیاست تهاجمی و تنش‌آمیز عربستان در مقابل ایران بیش از آنکه از خطرات ایران برای عربستان ناشی شده باشد، به عدم قطعیت‌ها، بی‌ثباتی‌ها و مشکلات درونی این کشور برمی‌گردد. بنابراین محمدبن سلمان با بهره‌گیری از پیشینه تنش‌آلود روابط دو کشور و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به بزرگ‌نمایی نگرانی‌های

دولت سعودی از سیاست منطقه‌ای ایران پرداخته است. چرا که مزایای تداوم و گسترش خصومت با ایران بیشتر از هرگونه آشتی است و ولیعهد سعودی در تلاش بوده است تا از رقابت با ایران برای ساماندهی شرایط درونی عربستان بهره‌برداری کند (Al-Rasheed, 2018).

بزرگ‌نمایی تهدید ایران و به تصویر کشیدن آن به‌عنوان خطری گسترده و فوری برای عربستان سعودی و منطقه خاورمیانه نه تنها شیوه‌ای برای نادیده‌گرفتن یا به حاشیه‌راندن مشکلات و مسائل داخلی عربستان محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند باعث پررنگ‌شدن نقش و جایگاه بن‌سلمان در ساختار قدرت سعودی شده و به وی در دستیابی به منصب پادشاهی کمک کند. محمدبن سلمان تا زمان ملک عبدالله به‌عنوان چهره‌ای شاخص و زیاد شناخته شده در خاندان سعودی نبود و در رقابت شخصیت‌های نسل سوم برای کسب قدرت پادشاهی جایگاه بارزی نداشت. بنابراین وی با وجود حمایت‌های ملک سلمان، برای ارتقای اعتبار و جایگاه سیاسی خود در میان رهبران جوان این کشور نیازمند درپیش‌گرفتن رویکردهای جدیدی بود. در این راستا مطرح‌ساختن سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در عرصه داخلی و تقابل با ایران یا ایران‌ستیزی به‌عنوان رویکردهای جدید و متفاوت وی پدیدار شدند. در واقع ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی ضمن اینکه می‌توانست به پنهان یا حاشیه‌سازی برخی از مشکلات داخلی نظام سعودی بینجامد به‌عنوان طرحی برای ارتقای جایگاه بن سلمان در سلسله‌مراتب قدرت مورد توجه قرار گرفت.

در سطح منطقه‌ای مهم‌ترین عاملی که باعث حمایت عربستان از امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران شد، تغییرات تدریجی در موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران در طول سال‌های پس از ۲۰۰۳ و فقدان توانمندی و ظرفیت لازم در دولت سعودی برای رقابت با ایران در قالب‌های متعارف رقابت و موازنه‌جویی منطقه‌ای بوده است. در شرایطی که نقش منطقه‌ای ایران در منطقه در دو دهه اخیر افزایش یافته است، عربستان سعودی تلاش کرده است تا با ایران‌هراسی و مطرح‌ساختن سیاست منطقه‌ای ایران به‌عنوان تهدید جدی و اساسی برای ثبات و امنیت خاورمیانه، به بسیج و هم‌افزایی ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر ایران مبادرت کند. از این‌رو درک تغییرات اساسی در حال وقوع در موازنه قدرت منطقه‌ای و فقدان اثرگذاری چشمگیر عربستان در برابر ایران در این سطح به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حرکت ریاض به‌سمت حمایت از امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران تلقی می‌شود. ظرفیت‌های ناکافی و

ناکامی‌های عربستان در موازنه‌سازی در برابر ایران را می‌توان به‌وضوح در روند تحولات و بحران‌های مهم منطقه‌ای از جمله سوریه، یمن و عراق مشاهده کرد (Grumet, 2015: 141). بنابراین تلاش برای حمایت از امنیتی‌سازی ایران به‌عنوان گامی جدی در جهت موازنه‌سازی در برابر ایران در منطقه تلقی می‌شود.

ج. کنش‌های حمایتی عربستان در امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران

حمایت از امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران در دوره ملک سلمان را می‌توان در دو قالب کنش‌های گفتاری و کنش‌های عملی یا اقدامات عینی عربستان مورد بررسی قرار داد. در اینجا با نگاهی جامع به امنیتی‌سازی، تنها امنیت به‌مثابه کنش‌گفتاری مورد توجه قرار نگرفته و سیاست‌ها و اقدامات عینی عربستان نیز به‌عنوان بخش مهمی از تلاش‌های کارکردی ریاض در امنیتی‌سازی ایران است.

۱. مشارکت در گفتمان امنیتی‌سازی ایران

از نظر گفتاری، عربستان در دوره ملک سلمان با رهبری محمدبن سلمان موضع‌گیری و گفتمان جدید و متفاوتی را در سیاست خارجی اتخاذ کرد که دال مرکزی آن نقش مخرب و بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه است. بررسی مواضع و گفتارها و همچنین تلاش‌های سیاسی و رسانه‌ای مقامات و ارکان مختلف نظام سعودی از سال ۲۰۱۵ از جمله پادشاه، ولیعهد، وزیر امور خارجه و برخی از نزدیکان و مشاوران محمدبن سلمان نشان می‌دهد که این موضع‌گیری‌ها و تلاش‌ها در جهت ایجاد گفتمانی جدید برای کمک به امنیتی‌سازی ایران با محوریت نقش مخرب و بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه طرح‌ریزی شده است. به‌عبارتی مقامات سعودی در اجلاس‌های کلیدی بین‌المللی مانند نشست‌های سازمان ملل یا اتحادیه عرب تلاش کرده‌اند تا ایران را به‌عنوان علت اصلی تمامی بی‌ثباتی‌ها و مشکلات خاورمیانه مطرح سازند.

در کنار این هسته مرکزی، می‌توان به پنج مفهوم زیر نیز به‌عنوان عناصر کلیدی گفتمان عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران در دوره ملک سلمان اشاره کرد که عبارتند از

ایدئولوژیک و انقلابی‌بودن نظام سیاسی ایران؛ عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی ایران؛ حمایت ایران از تروریسم؛ توسعه‌طلبی و مداخله‌گرایی ایران در منطقه و جاه‌طلبی هسته‌ای و موشکی ایران. این مفاهیم به‌صورت متداوم و جدی در موضع‌گیری مقامات سعودی و به‌خصوص ولیعهد این کشور تکرار شده و دستگاه‌های رسانه‌ای عربستان نیز آنها را ترویج کرده‌اند. محمدبن سلمان در تبیین مشکلات و ناامنی‌های منطقه‌ای، به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند و معتقد است انقلاب ایران با وجهه ایدئولوژیک خود باعث گسترش بی‌ثباتی در منطقه شده و در چنین شرایطی امکان به سامان‌رساندن روابط دو کشور وجود ندارد. همچنین مقامات سعودی ضمن اشاره به وجهه ایدئولوژیک نظام سیاسی ایران، انقلاب ایران را منشأ افراط‌گرایی در منطقه و حتی عربستان تلقی می‌کنند. رهبران سعودی معتقدند که عربستان تا سال ۱۹۷۹ کشوری معتدل بوده و انقلاب ایران باعث شیوع افراط‌گرایی در این کشور شده است (The Guardian, 2017).

همچنین رهبران سعودی رفتار ایران در قبال نمایندگی‌های سیاسی و سفارتخانه‌های خارجی از جمله سفارتخانه‌های آمریکا و عربستان را به‌عنوان نمود بارزی از رویکردهای افراطی و نامتعارف ایران تلقی می‌کنند. ضمن اینکه به‌بیان مقامات سعودی ایران در ابعاد مختلف و به‌خصوص اقتصادی با عقب‌ماندگی‌های جدی مواجه است و نتوانسته است به مدرن‌کردن خود بپردازد. در این راستاست که عادل‌الجبیر وزیر خارجه پیشین سعودی، ایران را مظهر تاریکی و عربستان را مظهر روشنایی و پیشرفت بر می‌شمارد (یورونیوز، ۲۰۱۸).

متهم‌ساختن ایران به حمایت از تروریسم در سطح منطقه به‌عنوان یکی دیگر از عناصر گفتمان نظام سعودی در مقابل ایران محسوب می‌شود. در این خصوص سعودی‌ها گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله لبنان را به‌عنوان جریانی تروریستی خطاب می‌کنند که در حمایت ایران قرار دارد. ضمن اینکه از جانب رهبران سعودی تلاش شده است تا ایران در کنار گروه‌های تروریستی دیگر مانند داعش و القاعده به‌عنوان عامل کلیدی بی‌ثباتی در منطقه مطرح شود. علاوه بر این سعودی‌ها به ارتباط ایران با این جریان‌های تروریستی نیز تأکید دارند و به‌عنوان نمونه حضور برخی از عناصر و رهبران القاعده در ایران و حمایت تهران از آنها به‌صورت متداوم در اظهارات آنان تکرار شده است. از جمله تلاش‌های عربستان در این راستا استقبال و حمایت از اقدام دولت ترامپ در قراردادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا در سال ۲۰۱۹ بوده است (Reuters, 2019).

توسعه‌طلبی و مداخله‌گرایی ایران در منطقه نیز به‌عنوان بخش مهم دیگری از گفتمان سعودی‌ها در مقابل ایران، بر ایدئولوژی و رویکردهای توسعه‌طلبانه ایران بر اساس مبانی خاصی مانند امپریالیسم یا امپراتوری ایرانی یا ویژگی توسعه‌طلبانه ایدئولوژی مذهبی شیعی در ایران تأکید دارد. همچنین در این وجه به حضور و نقش‌آفرینی ایران در حوزه‌های بحرانی مختلف مانند سوریه و یمن به‌عنوان مداخله آشکار ایران در جهان عرب اشاره شده که به‌عنوان عاملی جدی برای بی‌ثباتی در منطقه محسوب می‌شود. در این راستا مقایسه نظام و رهبران ایران با حکومت هیتلر به‌عنوان افراطی‌ترین تلاش رهبران سعودی برای برجسته‌کردن هویت جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه دولتی توسعه طلب و مخرب محسوب شده است (Goldberg, 2018).

هرچند برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان مسئله‌ای بین‌المللی در میان قدرت‌های بزرگ مطرح شده است، اما این موضوع ابعاد منطقه‌ای خاص خود را نیز دارد. به‌خصوص عربستان سعودی تلاش کرده است تا ظرفیت و برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را به‌عنوان تهدیدی جدی برای جهان و منطقه مطرح کند. نگاه و رویکرد انتقادی نظام سعودی به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران از زمان برجسته‌شدن این موضوع وجود داشته است. به‌رغم موفقیت اولیه برجام برای عادی‌سازی برنامه هسته‌ای و خارج کردن آن از موضوعات امنیتی، خروج دولت ترامپ از برجام و تشدید فشارهای آمریکا باعث شد تا عربستان برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را به‌عنوان بخش مهم و مکمل در گفتمان معطوف به امنیتی‌سازی ایران به‌کارگیری نماید. ضمن اینکه رهبران سعودی تلاش‌های احتمالی ریاض برای هسته‌ای شدن را در صورت تداوم برنامه هسته ایران به‌عنوان مسئله‌ای در راستای تهدید نشان‌دادن این برنامه مطرح می‌سازند (Shay, 2018:1).

۲. کنش‌های رفتاری

هدف از امنیتی‌ساختن یک موضوع، قانع‌ساختن بازیگران مختلف برای انجام اقدامات جدی و فوری علیه بازیگر مد نظر است و بر این اساس به موازات پیشبرد گفتمانی ایران‌ستیز و ایران‌هراس، عربستان سعودی به مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی مبادرت کرده تا بتواند محدودیت‌ها و فشارهای مختلفی را بر ایران تحمیل کند. در این راستا کنشگران کارکردی با تکیه بر ظرفیت‌های مادی و معنوی و اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات خاص در جهت کمک

به اقناع و همکاری بازیگران مخاطب از راهبردهای بازیگر امنیتی ساز حمایت می کنند. عربستان سعودی برای حمایت از امنیتی سازی ایران، با تأکید بر نقش منطقه ای مخرب و بی ثبات کننده تهران، به طراحی سیاست ها و انجام اقداماتی در چهار حوزه مختلف مبادرت کرده که شامل حوزه های سیاسی- دیپلماتیک، دیپلماسی عمومی و رسانه ای، اقتصادی و نظامی- امنیتی بوده است.

۲-۱. اقدامات سیاسی- دیپلماتیک

در عرصه سیاسی و دیپلماتیک عربستان سعودی تلاش کرده است تا تداوم و گسترش روابط سیاسی و دیپلماتیک تهران با سایر دولت ها و نقش آفرینی ایران در سازمان ها و نهادهای منطقه ای و بین المللی را با موانع و محدودیت هایی مواجه کند. در واقع ریاض با ایران هراسی و تلاش برای نشان دادن ایران به عنوان تهدیدی جدی برای امنیت منطقه، در پی آن بوده است تا در روابط و تعاملات سیاسی و دیپلماتیک عادی و متعارف ایران با واحدها و مجامع سیاسی مختلف اخلاص ایجاد کند و از این طریق به منزوی کردن ایران در عرصه سیاسی کمک کند. تلاش برای ایجاد ائتلاف های سیاسی گسترده در مقابل ایران یکی از مهم ترین سیاست های عربستان در این راستا بوده است که از جمله آنها می توان به تلاش برای شکل دهی به ائتلافی گسترده برای حمله به یمن در سال ۲۰۱۵، کوشش برای ایجاد ائتلاف نظامی اسلامی برای مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۱۷ و مشارکت جدی در شکل دهی به سازمان موسوم به ناتو عربی از سال ۲۰۱۸ اشاره کرد. علاوه بر این، می توان به تشویق و تحریک دولت های مختلف به خصوص در جهان عرب برای قطع کردن یا کاهش روابط سیاسی با ایران از سوی سعودی ها اشاره کرد که به خصوص در زمان قطع شدن روابط دو کشور در سال ۲۰۱۶ شدت گرفت. در این مقطع پس از قطع شدن روابط تهران و ریاض، رهبران سعودی برخی از کشورهای عضو اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس را برای پایان دادن به روابط با ایران تحت فشار قرار دادند که به محدودیت هایی در روابط ایران و جهان عرب منجر شد. ضمن اینکه در بحران قطر در سال ۲۰۱۷، یکی از مهم ترین شروط سران سعودی برای عادی سازی روابط با دوحه و پایان دادن به بحران، کاهش روابط دیپلماتیک با ایران، اخراج همه افراد مرتبط با سپاه

پاسردان از قطر و تنظیم روابط تجاری با ایران در چارچوب تحریم‌های آمریکا بوده است (دوست محمدی و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۵۱).

۲-۲. دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای

با توجه به اهمیت وجه گفتمانی و ذهنی در امنیتی‌شدن یک موضوع، عربستان سعودی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای و منابع مالی مناسب سعی کرده است تا از دیپلماسی عمومی برای کمک به روند امنیتی‌شدن ایران و توجیه فشارها و اقدامات علیه تهران استفاده کند. دیپلماسی عمومی عربستان سعودی با بهره‌گیری از منابع مالی ناشی از فروش نفت و با تکیه بر ابزارهای مختلف مانند حج و وجود حرمین شریفین، مدارس مذهبی و دانشگاه‌ها، رسانه‌های تصویری مانند العربیه و همچنین نهادهای اجتماعی و حکومتی مانند سازمان رابطه العالم الاسلامی و سازمان بین‌المللی امداد اسلامی پیشرفت‌ها و ظرفیت‌های مهمی را در اختیار سیاست خارجی این کشور قرار می‌دهد. بنابراین، این کشور از دیپلماسی عمومی در جهت تحقق اهداف مختلف از جمله تقویت رهبری خود در جهان اسلام و جهان عرب بهره برده است (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). در خصوص ایران عربستان سعودی با برجسته کردن شکاف‌های فرقه‌ای و تأکید بر توسعه‌طلبی منطقه‌ای تهران سعی کرده است تا ایران را به‌عنوان خطری سیاسی و امنیتی برای افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی مطرح سازد.

بنابراین به‌رغم تأکید رهبران سعودی بر دوری از وهابیت و مذهب‌گرایی در دوره سلمان، عربستان همچنان از فرقه‌گرایی ابزاری برای پیشبرد اهداف خود در مقابل ایران استفاده کرده است (Behzad, 2018: 24). به‌ویژه اینکه گرایش‌های ضدشیعی وهابیت که برای دهه‌ها در دیپلماسی عمومی عربستان غلبه داشته است، به‌عنوان بستر ساز طرح‌های ریاض برای کمک امنیتی‌سازی ایران به‌کار گرفته می‌شود. جدیدترین نمونه در خصوص تلاش‌های ضد ایرانی عربستان در این عرصه را می‌توان به افتتاح شبکه‌های تلویزیونی یا حمایت ریاض از برخی از رسانه‌ها مانند ایران اینترنشنال مربوط دانست که فراتر از روش‌های پیشین رسانه‌ای در پی حمایت از ناآرامی درونی و تشدید مشکلات درونی در ایران هستند (Kamali Dehghan, 2018).

۲-۳. فعالیت های اقتصادی

عربستان سعودی در تکمیل اقدامات رسانه‌ای و سیاسی برای حمایت از امنیتی سازی نقش ایران به تلاش های جدی برای محدودسازی و اعمال فشارهای اقتصادی بر ایران دست زده است. ریاض در دوره مذاکرات هسته‌ای و بعد از انعقاد برجام به افزایش تولید نفت در جهت کاهش قیمت جهانی آن و در نتیجه ممانعت از بهره‌گیری مناسب ایران از منافع برجام و توسعه اقتصادی خود دست زد (کریمی، ۱۳۹۷: ۹۷). در دوره ترامپ این کشور تلاش های جدیدی را در این حوزه آغاز کرد. تلاش هایی که عمدتاً در انطباق با سیاست های کلان آمریکای دوره ترامپ بعد از خروج از برجام، برای اعمال تحریم های شدید اقتصادی علیه ایران قرار دارد. رهبران سعودی در این دوره هم‌راستا با دیدگاه های دولت های ترامپ و نتانیاهو به پررنگ کردن این ایده پرداختند که ایران با سوءاستفاده از مزایای اقتصادی و مالی توافق برجام به گسترش و تقویت نقش منطقه‌ای مخرب خود مبادرت کرده است. بر این اساس با طرح چنین استدلالی تلاش شده است تا بین توان و تعاملات مالی و اقتصادی تهران با نقش منطقه‌ای آن ارتباط مستقیم ایجاد شود و بر این اساس مبادلات اقتصادی کشور نیز به‌عنوان موضوعی امنیتی مطرح شود.

بنابراین همکاری های ریاض با دولت ترامپ برای تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران به‌عنوان بخش مهمی از تلاش های عربستان برای مقابله با ایران محسوب می‌شود (Vakil, 2018:7). در حوزه اقتصادی سعودی ها در محورهای مختلف برای اعمال محدودیت ها و فشارهای اقتصادی علیه ایران تلاش کرده‌اند که از جمله مهم ترین آنها عبارت‌اند از: تضمین عرضه کافی نفت به بازار جهانی بعد از تجدید تحریم های آمریکا علیه ایران؛ تلاش برای جذب مشتریان نفتی ایران با ارائه مشوق های جدی و در نتیجه اختلال در صادرات نفتی ایران؛ قطع کردن روابط و تعاملات اقتصادی دو جانبه با ایران و هماهنگی و اعمال فشار بر کشورهای مختلف برای کاهش مبادلات مالی و اقتصادی با ایران از جمله ابداع سازوکارهای جدیدی مانند اعمال تحریم های ثانویه بر جمهوری اسلامی ایران.

۲-۴. برنامه های نظامی و امنیتی

در عرصه نظامی و امنیتی عربستان سعودی با حمایت از امنیتی سازی نقش ایران در منطقه به تلاش های نوینی برای ارتقای نقش نظامی و امنیتی خود در منطقه و مشروعیت بخشی به آن مبادرت کرده است. تلاش برای شکل دهی به ائتلاف های نظامی جدید از جمله ائتلاف

ضد تروریستی اسلامی، فعال‌سازی سازمان‌های نظامی منطقه‌ای گذشته مانند نیروی سپر جزیره در حوزه شورای همکاری خلیج فارس، حمله نظامی گسترده به یمن با همکاری برخی کشورهای عربی، تلاش گسترده برای ارتقای توان نظامی و تسلیحاتی نیروهای مسلح سعودی از جمله با خریدها و همکاری‌های نظامی وسیع، کوشش برای کسب توان هسته‌ای و مطرح ساختن ایده‌هایی برای حضور در بحران‌هایی مانند سوریه را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد سیاست‌های نظامی و امنیتی عربستان در دوره سلمان دانست. هرچند برخی از این ابعاد مانند خریدهای نظامی گسترده در گذشته نیز سابقه داشته است، اما تلاش‌های معطوف به ائتلاف‌سازی نظامی در سطح گسترده منطقه‌ای یا حمله نظامی به یمن رویکردهایی کاملاً جدید در سیاست خارجی عربستان محسوب می‌شوند که رهبران سعودی به‌صورت مستقیم آنها را در جهت مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران مطرح و طراحی کرده‌اند (مطهری، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۰).

د. تحولات امنیتی ۲۰۱۹ و تزلزل در سیاست‌های عربستان

تحولات امنیتی جدید در حوزه خلیج فارس و شبه‌جزیره عربی در سال ۲۰۱۹ بیانگر ورود متغیرهای جدیدی در معادلات بین ایران و کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌خصوص عربستان سعودی بوده است. در این مقطع جدید چند رویداد مهم مانند انفجار نفت‌کش‌ها، هدف‌گیری و انهدام پهباد آمریکایی از سوی ایران و حمله به تأسیسات نفتی آرامکو که باعث قطع شدن نیمی از جریان نفت صادراتی عربستان شد متغیرهای جدیدی را در معادلات نظامی - امنیتی منطقه‌ای وارد کرد و بسیاری از محاسبات امنیتی پیشین را دگرگون ساخت. هرچند که این رویدادها از تحول روابط آمریکا و ایران و افزایش تنش‌های بین دو کشور بعد از خروج ترامپ از برجام ناشی شد، اما به بروز واقعیت‌های سیاسی و نظامی - امنیتی جدیدی در این حوزه انجامید که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: تداوم و تشدید آسیب‌پذیری نظامی و امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌خصوص عربستان سعودی؛ افزایش ظرفیت‌های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به‌خصوص در وارد کردن ضربات نظامی به کشورهای متخاصم در منطقه؛ فقدان انگیزه و تعهد لازم در دولت آمریکا برای حمایت از امنیت متحدین عربی خود در حوزه خلیج فارس.

رویدادهای امنیتی سال ۲۰۱۹ در خلیج فارس و به خصوص فقدان واکنش نظامی آمریکا در برابر ایران باعث ایجاد تردیدهای بسیاری در مقامات سعودی در خصوص تداوم ضمانت امنیتی سنتی واشنگتن در قبال این کشور و همچنین کارایی تسلیحات و سیستم‌های دفاعی آمریکایی در برابر حملات ایران و متحدین آن در محور مقاومت شد. اثرگذاری این موضوع تا حدی است که برخی ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ یعنی زمان هدف قرار گرفته شدن تأسیسات نفتی آرامکو در بقیق و خریص را به‌عنوان شروع فصل جدیدی در معادلات امنیتی خلیج فارس ذکر می‌کنند؛ به‌خصوص اینکه این رویدادها و دل‌سردی نسبی رهبران سعودی از حمایت‌های امنیتی آمریکا باعث شد تا فهم پیشین و محاسبات سال‌های اخیر دولت سعودی در قبال ایران تا حدی دچار تغییر شده و حمایت‌های عربستان از امنیتی سازی ایران و همکاری با سیاست‌های آمریکا با تردیدهای جدی مواجه شود. بر این اساس است که در ماه‌های انتهایی این سال، افزایش تمایل ریاض به کاهش اختلافات با قطر، گرایش بیشتر به تعامل و گفتگو با انصارالله برای پیدا کردن راه‌حلی برای پایان دادن به جنگ یمن و حتی افزایش انگیزه‌های این کشور به تعامل و گفتگوی غیرمستقیم با ایران برای کاهش سطح تنش به‌عنوان نتایج تحولات امنیتی جدید نمودار شدند (Farouk, 2019).

ه. پیامدها برای امنیت ملی ایران

در بخش‌های پیشین به بسترهای امنیتی سازی نقش منطقه‌ای ایران از سوی ریاض و تلاش‌های گفتمانی و رفتاری سعودی‌ها در این راستا اشاره شد. در اینجا مسئله کلیدی ارزیابی تأثیرات رویکردهای کارکردی و حمایت عربستان در امنیتی سازی بر ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شامل ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی - امنیتی است.

وجه سیاسی امنیت ملی شامل ثبات سازمانی و ساختاری کشور، نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به دولت و نظام حکومتی است. ضمن اینکه رابطه دولت و ملت در داخل و مشروعیت یک نظام سیاسی در سطح بین‌المللی نیز از وجوه سیاسی امنیت ملی محسوب می‌شود (صادقی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۷۵). بر این اساس هرگونه تلاش گفتمانی و رفتار دولت سعودی که جهت‌گیری آن به سوی تضعیف ثبات و مشروعیت سیاسی داخلی و بین‌المللی ایران باشد به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در سطح اجتماعی تضعیف

هویت ملی و برهم خوردن تعادل و انسجام اجتماعی و تشدید بحران‌های قومی و مذهبی باعث تهدید امنیت ملی می‌شود. بنابراین هرگونه طرح و اقدام دولت سعودی که در جهت تضعیف انسجام و هم‌گرایی ملی و گسترش منازعات قومی و مذهبی باشد به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی تلقی می‌شود.

بررسی‌های ذکر شده نشان داد که تلاش‌های مقامات سعودی برای حمایت از امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران شامل مؤلفه‌هایی است که تهدیداتی را برای ابعاد سیاسی و اجتماعی امنیت ملی کشور ایجاد کرده است. با این حال نمی‌توان برخی نتایج معکوس تلاش‌های عربستان سعودی برای امنیت ملی ایران در این ابعاد را نیز نادیده گرفت. تلاش برای به‌تصویرکشیدن نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی فرقه‌گرا و افراطی با رفتارهای مخرب منطقه‌ای و در مجموع سیاه‌نمایی و ایران‌هراسی، بر افکار عمومی جهان عرب و تا حدی جهانی بی‌تأثیر نبوده است و باعث وارد شدن خدشه‌هایی به مشروعیت سیاسی دولت ایران شده است. ضمن اینکه تلاش‌های ریاض برای اثرگذاری بر افکار عمومی داخل ایران از طریق راه‌اندازی یا حمایت از برخی رسانه‌ها نیز باعث تقویت عوامل معطوف به کاهش مشروعیت سیاسی دولت ایران در داخل و افزایش شکاف بین دولت و جامعه شده است. در این راستا نشانه‌هایی وجود دارد که تمایل عربستان برای متمایز ساختن مردم از دولت در ایران را می‌توان تا حدی مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه در خصوص حج، رهبران سعودی به‌رغم فقدان روابط سیاسی و تداوم رویکردهای خصمانه تلاش کردند تا وجهه مناسبی را از خود در برابر دیدگان حجاج ایرانی به تصویر بکشند و مشروعیت روایت‌های حکومتی از آل سعود را مورد تردید قرار دهند.

تلاش‌های عربستان سعودی برای تحت تأثیر قراردادن ابعاد سیاسی و اجتماعی امنیت ملی ایران با دستاوردهایی همراه بوده و از جمله به محدودیت‌هایی در تعاملات سیاسی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شده است. با این حال به‌رغم برخی دستاوردهای اولیه، تداوم رویکردهای امنیتی‌ساز عربستان نتایج معکوس خاص خود را نیز داشته است. در سطح منطقه‌ای و خامت روابط ریاض با قطر و ترکیه و نگرانی کشورهایمانند کویت و عمان و حتی اردن از تلاش‌های هژمونیک عربستان در دوره سلمان، باعث شده است تا این کشورها انگیزه‌های جدیدی برای تعامل با ایران داشته باشند. بنابراین چنین تعاملاتی که به‌خصوص در روابط نوین

ایران با ترکیه و قطر بازتاب داشته است باعث بهبود اعتبار و جایگاه سیاسی ایران و تقویت جنبه سیاسی امنیت ملی کشور شده است. ضمن اینکه رویکرد دولت سعودی در سطوح داخلی که از جمله در ترور جمال خاشقچی در سال ۲۰۱۸ نمودار شد با مشروعیت‌زدایی از روایت‌های سعودی باعث خلع سلاح جدی نظام سعودی در تلاش‌های ضد ایرانی شده است. بنابراین در شرایطی که اعتبار و مشروعیت عربستان تحت رهبری خانواده سلمان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با چالش‌های مهمی روبرو شده است، ریاض دیگر همانند گذشته از ظرفیت و اعتبار لازم برای حمایت از امنیتی‌سازی ایران برخوردار نیست. بر این اساس در مجموع به‌رغم تلاش‌های مختلف دولت سعودی، عربستان سعودی نتوانسته است به‌صورت اساسی و متداوم ابعاد سیاسی و اجتماعی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

در سطح اقتصادی تحریم و فشارهای مالی و اقتصادی و تلاش برای تضعیف بنیان‌های اقتصادی، ممانعت از ورود کالا، سرمایه و تکنولوژی و اختلال در تعاملات و امور مالی و اقتصادی متعارف یک کشور به‌عنوان مهم‌ترین تلاش‌های بازیگران بیرونی برای تحت تأثیر قراردادن امنیت ملی و ایجاد تهدیدات اقتصادی محسوب می‌شود. در خصوص ایران، آمریکا با اعمال تحریم‌های گسترده پس‌ابرجامی به مهم‌ترین تهدیدگر امنیت ملی ایران به‌لحاظ اقتصادی تبدیل شده است. با این حال عربستان سعودی به روش‌های گوناگون ضمن تحریک و حمایت از دولت ترامپ در خروج از برجام و اعمال تحریم‌ها، در این خصوص همکاری‌های شایان توجهی با آمریکا داشته و در تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران نقشی مهم ایفا کرده است. بر این اساس رویکرد ریاض در کمک به امنیتی‌سازی ایران و همکاری با آمریکا در اعمال تحریم و فشارهای اقتصادی، امنیت ملی ایران را متأثر ساخته است. با این حال در مجموع تأثیرات ریاض در این خصوص جنبه فرعی، تکمیلی و افزایشی داشته و در صورت فقدان سیاست تحریمی از سوی آمریکا، عربستان به‌تنهایی قادر به ایجاد تهدیداتی جدی برای اقتصاد ملی ایران نیست.

در عرصه نظامی و امنیتی، تهدیدات معطوف به یک کشور می‌تواند شامل اقدامات نظامی مستقیم یا بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهایی مانند گروه‌های تروریستی و معارض یا همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی با دیگر بازیگران برای تهدید امنیت ملی باشد. ضمن اینکه تلاش برای تضعیف بنیان‌ها و ظرفیت‌های نظامی و امنیتی یک کشور ممکن است به‌عنوان شکل دیگری از تهدیدات

امنیتی در این عرصه تلقی شود. عربستان سعودی به تنهایی از ظرفیت‌های لازم برای وارد کردن ضربه نظامی یا وارد شدن به درگیری نظامی مستقیم با ایران برخوردار نیست. با این حال ریاض به‌خصوص در دوره سلمان به روش‌های مختلف در پی تقویت تهدیدات نظامی علیه ایران بوده است. تشویق آمریکا به تداوم حضور و افزایش اثرگذاری نظامی در منطقه از سوی ریاض با هدف حفظ اهرم‌ها و تهدیدات نظامی علیه ایران و متحدین منطقه‌ای آن مانند دولت سوریه و حزب‌الله لبنان زمینه‌ساز تقویت تهدیدات نظامی علیه ایران بوده است. در کنار این موضوع خریدهای تسلیحاتی گسترده عربستان می‌تواند به تدریج موازنه نظامی در منطقه را به ضرر ایران تغییر داده و ظرفیت‌های نظامی و دفاعی ایران را متأثر سازد (Cordesman, 2018: 4). ضمن اینکه نزدیکی ریاض با تلاویو و افزایش همکاری‌های پنهان دو طرف می‌تواند دسترسی اسرائیل به محیط درونی ایران و اشراف اطلاعاتی خاصی را به‌دنبال داشته باشد که زمینه‌ساز شکل‌گیری تهدیدات نوینی علیه ایران خواهد بود.

اشاره ولیعهد سعودی محمدبن سلمان به کشاندن جنگ داخل ایران و تأکیدات انور عشقی بر تجزیه ایران نیز بیانگر ذهنیت و تمایلات مقامات سعودی برای ایجاد اشکال جدیدی از تهدیدات نظامی و امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا سرمایه‌گذاری مقامات سعودی بر گروه‌های معارض و معاند جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آنها، تصمیم سعودی‌ها برای شکل‌دهی به این نوع تهدیدات را به‌خوبی نشان می‌دهد. شرکت ترکی الفیصل از شخصیت‌های خاندان سلطنتی و مقامات امنیتی سابق عربستان در کنفرانس منافقین و استقبال از براندازی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص قابل اشاره است. ضمن اینکه حمایت‌های مالی دولت سعودی از این گروه نیز از برخی برنامه‌ریزی‌های آل سعود برای تقویت آشوب‌های داخلی و ناامنی داخل ایران حکایت دارد (تسنیم، ۱۳۹۶). علاوه بر این اشاره بسیاری از تحلیل‌ها به ارتباط ریاض با اقدامات تروریستی برخی جریان‌های معارض در مناطق مرزی مانند سیستان و بلوچستان و خوزستان بیانگر تغییراتی مهم در رویکرد محافظه‌کارانه گذشته دولت سعودی و افزایش تلاش‌ها برای تهدید ایران است.

در مجموع، به‌رغم افزایش تلاش‌های عربستان برای شکل‌دهی به تهدیدهای نظامی و امنیتی علیه ایران در دوره سلمان که از رویکرد تهاجمی نوین و طرح‌های معطوف به حمایت

از امنیتی سازی نقش ایران ناشی می شود، اعمال این تهدیدات از سوی ریاض با موانع و محدودیت های جالب توجهی روبرو است. نخست اینکه تلاش های حکومت عربستان برای تشویق دولت ترامپ به منظور نقش آفرینی نظامی گسترده و مؤثرتر در منطقه از جمله سوریه یا وارد شدن به فاز تهدیدات نظامی جدی علیه ایران ثمر چندانی نداشته است. چراکه دولت آمریکا از جمله در دوره ترامپ راهبرد کلان خود را کاهش حضور نظامی و بهره گیری از ظرفیت های متحدین قرار داده که اعلام خروج از سوریه مهم ترین نمود آن بوده است (Nichols, 2018). این واقعیت با واکنش ضعیف و صرفاً سیاسی و نمایشی آمریکا به حوادث امنیتی خلیج فارس در سال ۲۰۱۹ به خصوص در زمان حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در بقیق و خریص آشکار شد و ریاض را به بازبینی در محاسبات راهبردی نظامی وادار کرد. مهم تر اینکه حمله دقیق و هدفمند به تأسیسات نفتی سعودی و نبود واکنش سیستم های دفاعی آمریکا در خاک عربستان، ضعف ها و آسیب پذیرهای دفاعی و نظامی دولت سعودی را به خوبی نشان داد.

مسئله دیگر چالش های جدی عربستان سعودی برای ایجاد ائتلاف نظامی گسترده علیه ایران است. هر چند ریاض در توسعه همکاری های نظامی با امارات عربی متحده به خصوص در جنگ یمن و جلب سطحی از مشارکت و همکاری بازیگران عربی موفقیت هایی داشته است، اما بحران قطر و نگرانی کشورهایمانند کویت و عمان، کارآمدی سپر جزیره به عنوان بخش نظامی شورای همکاری خلیج فارس را ضعیف کرده است. نکته مهم خروج تدریجی امارات متحده عربی از جنگ یمن و بروز شکاف ها و درگیری هایی بین نیروهای طرفدار عربستان و امارات در جنوب یمن است که اتحاد محدود این دو بازیگر کلیدی جنگ یمن را نیز به سمت فروپاشی برده است. ضمن اینکه بی میلی مصر به مشارکت در ائتلاف راهبردی خاورمیانه موسوم به ناتو عربی، شکل دهی به سازمان نظامی جدید با محوریت مقابله با ایران را تا حد زیادی ناکام گذاشته است (Al Jazeera, 2019). علاوه بر این حمایت های عربستان از گروه های معاند و تروریستی مخالف ایران نیز به رغم ایجاد برخی تهدیدات، در درازمدت نمی تواند تهدیدات اساسی برای امنیت ملی ایران ایجاد کند.

و. راهبرد جمهوری اسلامی ایران

در مقابل سیاست‌های عربستان در طول دهه‌های گذشته، در محافل سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دو دیدگاه کلی و متمایز برجسته بوده است که عبارت‌اند از: سیاست تنش‌زدایی و گسترش روابط و سیاست موازنه و اعمال فشار همه‌جانبه. سیاست تنش‌زدایی در دهه ۱۹۹۰ اجرا شد و دستاوردهای خاص خود را داشت. این سیاست با توجه به مشکلات و چالش‌های ناشی از سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با چالش‌های مهمی مواجه بوده و به‌رغم تأکید مقامات ایرانی در دوره‌های مختلف درخور تداوم نبوده است. سیاست موازنه‌سازی و اعمال فشار بر عربستان در یک دهه اخیر پررنگ‌تر بوده و به گسترش تقابل دو کشور در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای و قطع شدن روابط دو کشور انجامیده است. هرچند چنین سیاستی باعث اعمال محدودیت‌هایی بر عربستان شده، اما در مجموع هزینه‌ها و تقابل بین دو کشور را افزایش داده است. بنابراین می‌توان شاهد بود که روابط دو کشور در شرایط کنونی با عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های بسیاری همراه شده و آینده مبهمی را فراروی ناظران قرار داده است.

در حالی که روابط تهران و ریاض می‌تواند به سمت سناریوهای مختلفی مانند جنگ و درگیری نظامی، موازنه همه‌جانبه متقابل، تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط، شکل‌دهی به همکاری‌های جدید و ایجاد کنسرت منطقه‌ای یا در حالت آرمانی ایجاد نظم امنیتی دسته‌جمعی مشارکتی سیر کند، درک تحولات گذشته و واقعیت‌های کنونی روابط می‌تواند به اتخاذ راهبردهای مناسب کمک کند. در طول دهه‌های گذشته بخشی از جریان‌های سیاسی و نهادهای سیاسی و دیپلماتیک در ایران بر رویکرد تنش‌زدایی و گفتگو برای حل و فصل مسائل با عربستان تأکید داشته‌اند و در مقابل بخش دیگری از جریان‌های سیاسی و حاکمیتی و نهادهای نظامی در به‌کارگیری ابزارهای سخت برای مقابله با تهدیدات عربستان سعودی گرایش بیشتری نشان داده‌اند. تجارب چند دهه گذشته و مؤلفه‌های کنونی حاکم بر معادلات و روابط بین تهران و ریاض نشان می‌دهد که هم‌گراکردن ظرفیت‌ها و ابزارهای قدرت سخت و نرم در قالب راهبرد قدرت هوشمند می‌تواند به‌عنوان راهبرد مطلوب ایران در مقابل تهدیدات عربستان سعودی و تلاش‌های این کشور در چارچوب حمایت از امنیتی‌سازی ایران محسوب شود. به‌عبارتی قدرت سخت نهادهای نظامی و امنیتی و قدرت نرم نهادهای سیاسی و دیپلماتیک به‌عنوان دو بال

هماهنگ راهبرد قدرت هوشمند است که در مقابل عربستان از کارآمدی بیشتری برخوردار خواهد بود.

در محور قدرت سخت یا موازنه‌سازی سخت، حفظ ظرفیت بازدارندگی و تقویت اهرم‌های مهار در مقابل ریاض در جهت ممانعت از اعمال محدودیت‌ها و فشارهای بیشتر از سوی رهبران سعودی در چارچوب سیاست حمایت از امنیتی‌سازی ایران ضروری است. در عرصه منطقه‌ای حفظ نفوذ در حوزه‌های مختلف منطقه و تعامل با بازیگران همسو به‌رغم تمامی محدودیت‌ها از یک‌سو و بهره‌گیری از نتایج معکوس سیاست‌های منطقه‌ای ریاض اهمیت دارد. از جمله این نتایج معکوس می‌توان به بحران در شورای همکاری خلیج فارس و فشارها بر قطر و درگیری عربستان در جنگ یمن اشاره کرد که فرصت‌های نوینی را برای نقش‌آفرینی بیشتر ایران ایجاد کرده است. ضمن اینکه شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های خاص عربستان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای از جمله در حوزه نظامی و امنیتی برای تحت فشار قرار دادن این کشور و همکاری‌های آن با متحدینش در برابر ایران اهمیت دارد. در حالی که اعمال فشار انصارالله یمن بر عربستان و امارات متحده عربی در طول حوادث امنیتی سال ۲۰۱۹ نقش مهمی در تعدیل سیاست‌های خصمانه این دو کشور در برابر ایران داشته است، حفظ این نوع از اهرم‌های فشار در سیاست منطقه‌ای ایران برای آینده نیز اهمیت دارد.

در محور قدرت نرم هدف اصلی خنثی‌سازی سیاست امنیتی‌سازی و همچنین مدیریت کنش‌های معطوف به اعمال فشارهای همه‌جانبه بر تهران است. غیرامنیتی‌کردن ایران با تأکید بر نقش منطقه‌ای، مستلزم اتخاذ گفتمانی منطقی، مشروع و در چارچوب هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی است. به‌عنوان نمونه حضور ایران در سوریه و عراق در قالب همکاری‌های بین‌المللی بین دولت‌های مستقل بدون نقض حاکمیت ملی کشورها تبیین‌پذیر است و در مقابل حضور عربستان سعودی در بحرین یا اقدامات تحریمی این کشور در قبال قطر با محدودیت‌های بین‌المللی مواجه است. نکته مهم دیگری که از سوی دستگاه دیپلماسی ایران تاکنون مورد توجه قرار گرفته است، واردنشدن به اقدامات واکنشی در برابر حملات سیاسی و رسانه‌ای گسترده سعودی‌ها و اتخاذ مواضعی معطوف به تنش‌زدایی و همکاری بین‌المللی در مقابل کشورهای

عربی است. تداوم این رویکرد دیپلماتیک و رسانه‌ای می‌تواند در میان‌مدت به کاهش اثرات گفتمان ایران‌هراسی ریاض منجر شود.

در این راستا، مطرح کردن ایده‌ها و طرح‌هایی با محوریت شکل‌دهی به همکاری‌های منطقه‌ای بومی و مشارکتی اهمیت دارد و شایسته تداوم است. ضمن اینکه رویکرد همکاری‌جویانه و تعاملی ایران در سطح بین‌المللی از جمله تداوم حضور در برجام می‌تواند بسترها و ظرفیت‌های بین‌المللی عربستان برای حمایت از امنیتی‌سازی ایران را کاهش دهد. همچنین، غیرامنیتی کردن نقش منطقه‌ای ایران، مستلزم عدم ایفای نقش در چارچوب‌های گفتمانی و دیپلماتیک آمریکا و دولت سعودی در راستای افزایش سطح تنش و درگیری در منطقه و اتخاذ گفتمان و مواضع متعادل و توسعه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی ایران است. با این حال، ضلع سوم چنین راهبردی افزایش انسجام داخلی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی درون کشور برای کاهش اثرات فشارهای آمریکا و عربستان به‌خصوص در موضوع تحریم‌های گسترده است.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۳) بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفدهم، شماره چهارم.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۹). آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی (گفتگوی علمی). تهران: **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سوم، شماره سوم.
- تسنیم (۱۳۹۶) گستاخی‌های تازه ترکی فیصل علیه ایران در نشست منافقین. خبرگزاری تسنیم.
- حاجی‌مینه، رحمت (۱۳۹۷) مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه‌ها، انجمن ایرانی مطالعات جهان (۱۷ اسفند).
- دوست محمدی، احمد و رجیبی، محمد (۱۳۹۷) عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۸، شماره ۴.
- سلطانی، سیدعلی اصغر و مقدسی‌نیا، مهدی (۱۳۹۵) مواجهه مطبوعات ایران و عربستان در بازنمایی منا: فاجعه یا حادثه؟، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال نوزدهم، شماره هفتاد و سوم.
- صادقی، سید شمس‌الدین و نادری، مسعود (۱۳۹۵) تحلیل ابعاد امنیت دولت در ایران قرن بیست و یکم، **فصلنامه دولت پژوهی**، سال دوم، شماره ۵.
- کریمی، غلامرضا، سید علی منوری، سعید میرترابی و پرویز شریفی (۱۳۹۷) برجام و تأثیر آن بر کنش‌های اقتصادی عربستان سعودی در مقابله با ایران، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، شماره ۲۶.
- کوهکن، علیرضا و نزاکتی، فرخنده (۱۳۹۳) دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره سوم.
- مطهری، مصطفی (۱۳۹۵) محمد بن سلمان، آینده همکاری‌های درون عربی، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، شماره ۶۷.
- نجات، سیدعلی، موسوی، سید راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵) راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال نهم، شماره ۳۳.
- یورونیوز (۲۰۱۸) عادل جبیر: عربستان سعودی روشنایی و ایران ظلمت خاورمیانه است، یورونیوز فارسی (۲۸ اکتبر ۲۰۱۸).

- Al Jazeera (2019) Iran Welcomes Egypt's Reported Withdrawal from 'Arab NATO' Plan, <https://www.aljazeera.com/news/2019/04/iran-welcomes-egypt-reported-withdrawal-arab-nato-plan-190411181116040.html>
- Al-Rasheed, Madawi (2018) Saudi Domestic Uncertainties and the Rivalry with Iran, **LSE Middle East Centre**.
- Balzacq, Thierry (2005) The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context, **European Journal of International Relations**, Vol. 11, No. 2.
- Behzad, Diansaei (2018) Iran and Saudi Arabia in the Middle East: Leadership and Sectarianism (2011—2017), **Vestnik RUDN. International Relations**, Vol. 18, No. 1.
- Cordesman, Anthony H. (2018) The Arab Gulf States and Iran: Military Spending, Modernization, and the Shifting Military Balance, **Centre for Strategic and International Studies**.
- Farouk, Yasmine (2019) Saudi Arabia Has Room to Maneuver After the Oil Attack, **Carnegie Endowment for International Peace**.
- Goldberg, Jeffrey (2018) Saudi Crown Prince: Iran's Supreme Leader 'Makes Hitler Look Good', **The Atlantic**.
- Grumet, Tali Rachel (2015) **New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry**, Electronic Theses and Dissertations, <https://digitalcommons.du.edu/etd/1028>
- Kamali Dehghan, Saeed (2018) Concern over UK-based Iranian TV channel's links to Saudi Arabia, **The Guardian**.
- Mabon, Simon (2016) Saudi Arabia – US Relations and the Failure of Riyadh's Securitization Project, **The Foreign Policy Center**.
- Nichols, John (2018) Withdrawing US Troops From Syria Is the Right Thing to Do—Even if Trump Does It, <https://www.thenation.com/article/syria-trump-troops/>
- Schmierer, Richard J (2017) The Saudi-Iranian Rivalry and the Obama Doctrine, **Middle East Policy**, Vol. XXIII, No. 2.
- Shay, Shaul (2018) Saudi Arabia and the "Nuclearization" of the Middle East, **Institute for Policy and Strategy**.
- Taureck, Rita (2006) Securitization theory and securitization studies, **Journal of International Relations and Development**, Vol. 9, No. 1.
- The Guardian (2017) I Will Return Saudi Arabia to Moderate Islam, Says Crown Prince, <https://www.theguardian.com>.
- Vakil, Sanam (2018) Iran and the GCC: Hedging, Pragmatism and Opportunism, **Chatham House**.
- Waever, Ole (1989) **Security the Speech Act: Analyzing the Politics of a Word**, Paper Presented at the Research Training Seminar, Sostrup Manor